

در گفت‌وگو با مؤسس و مجریان «طرح دانش و بینش» مطرح شد

بردن دروس حوزه میان مردم

۲

روایت فرزند شهید مدافع سلامت

بیمارستان رضوی از والدینش

سوگندنامه‌ای با دو امضا

«دکتر احمد خسروی خراشاد» پزشک متخصص داخلی بیمارستان فوق تخصصی رضوی مشهد در تاریخ ۱۵ مردادماه سال۱۳۹۹ در سن حدود ۷۰ سالگی و در جریان خدمت به هموطنان و درمان بیماران مبتلا به بیماری کووید۱۹، جان خود را به علت ابتلا به بیماری کرونا از دست داد و به مقام شامخ «شهید مدافع سلامت» نائل آمد.بخش‌هایی از گفت‌وگو با دختر شهید، خانم «مریم‌طلا خسروی خراشاد» را بخوانید که از خصوصیات اخلاقی و همراهی مادر و پدرش گفته است...



روایت‌هایی کمتر شنیده شده از حضور رهبر جمعیت فدائیان اسلام در مشهد به مناسبت سالگرد شهادتش

منبرهای خیابانی «نواب صفوی»

■ یک سفر سیاسی

شهید نواب صفوی در سفر سیاسی خود به مشهد، دو هدف عمده را دنبال می‌کرد؛ نخست دیدار با علمای شهر و گفت‌وگو با آن‌ها درباره مسائل جهان اسلام و دوم حضور در اجتماعات جوانان شهر و ایراد سخنرانی برای آنان. آن مرحوم در این سفر با علمای مبارز و شناخته شده‌ای مانند آیت‌الله شیخ غلامحسین تبریزی معروف به عبدخدایی دیدارهایی داشت. میزبان شهید نواب صفوی و جمعی از یارانش که گاه تعداد آن‌ها به حدود ۳۵ نفر می‌رسید، در این سفر و البته چند سفر بعدی به مشهد مقدس، انجمن پیروان قرآن به مدیریت مرحوم حاجی عابدزاده بود. مهدیه مشهد که در آن زمان یکی از مهم‌ترین کانون‌های مذهبی شهر به حساب می‌آمد، این میزبانی را بر عهده گرفت و البته نخستین سخنرانی‌های نواب صفوی در مشهد

محمدحسین نیکبخت |

سیدمجتبی میرلوحی تهرانی که همه ما او را با نام «شهید نواب صفوی» می‌شناسیم، یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های تاریخ ایران در سده اخیر محسوب می‌شود. تا پیش از فعالیت‌های او، مذهبیین علاقه‌مند به فعالیت‌های سیاسی، کار تشکیلاتی و مبارزات هدفمند را در قالب یک سازمان منسجم تجربه نکرده بودند. شهید نواب صفوی نه فقط در ایجاد ساختار و جذب عضو برای گروه خود بسیار موفق عمل کرد، بلکه تظاهرات و اقدام‌های وی نیز موجب گرایش عمومی مردم به جریان فدائیان اسلام شد و آن‌ها در میان اقشار متدین که بخش اعظم جامعه را تشکیل می‌دادند، از جایگاه بسیار خوبی برخوردار بودند. یکی از ویژگی‌های بسیار مهم جریان فدائیان اسلام و شخصیت شهید نواب صفوی، جوان بودن و جوان‌گرایی فوق‌العاده آن‌ها بود. فدائیان اسلام در سال ۱۳۲۴ش در حالی بنیان‌گذاری شد که بنیان‌گذار آن، تنها ۲۱ سال داشت و این مسئله در فضایی که عموماً جوانان نقش چندانی در تحولات سیاسی و اجتماعی ایفا نمی‌کردند و در بسیاری از موارد تنها کسوت یک پیرو را داشتند، بسیار جذاب به نظر می‌رسید. یکی از شهرهایی که جوانان آن به شدت تحت تأثیر جنبه شخصیت شهید نواب صفوی و مشی و مرام فدائیان اسلام قرار داشتند، مشهد بود. آن مرحوم بارها به قصد زیارت و شرکت در تجمعات به این شهر سفر کرد و مجموعه این حضورها، رقم‌زننده رویدادها و روایت‌هایی شد که امروز در سالروز شهادت وی و یارانش قصد داریم در صفحه نخست رواق مروری بر آن‌ها داشته باشیم.

■ ارتباط با «مبارزین اسلام»

بی‌تردید شهید نواب صفوی پیش از آنکه در کسوت رهبر فدائیان اسلام وارد مشهد شود، چند باری به این شهر سفر کرده بود. پدر همسر وی، نواب احتشام رضوی از فعالان قیام مسجد گوهرشاد بود و به همین دلیل به تهران تبعید شد. بدیهی بود که این ارتباط خانوادگی می‌توانست موجب ارتباط بیشتر و عمیق‌تر با فضای شهر مشهد باشد. با این حال، نخستین ارتباط تشکیلاتی وی و جوانان مذهبی مشهد که به شدت تحت تأثیر اقدام‌های جمعیت فدائیان اسلام در تهران قرار داشتند، از طریق تشکیلات جمعیت «مبارزین اسلام» برقرار شد. تعدادی از اعضای همین گروه بودند که برای نخستین بار از نواب خواستند تا سفری با هدف فعالیت‌های سیاسی به مشهد داشته باشد و به این ترتیب، نخستین سفر سیاسی شهید نواب صفوی به مشهد در سال ۱۳۲۹ش شکل گرفت و اطلاعیه‌هایی درباره ورود نواب صفوی به مشهد در روزنامه‌های فعال آن دوره شهر به چاپ رسید. البته در آن زمان، گروه‌هایی وجود داشتند که می‌خواستند مانع سخنرانی‌های او در مشهد شوند و حتی با استخدام جمعی از اراذل و اوباش سعی کردند مجالس سخنرانی وی را به هم بزنند، اما استقبال گسترده مردم از این برنامه‌ها، مانع تحقق خواست آن‌ها شد.

از زوایای گوناگون آشنا شوند. این مسئله سبب شد بعدها حتی در جریان وقایع پس از قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱، مردم مشهد در تظاهرات خود، قضیه فلسطین را به صورت جدی مورد توجه قرار دهند. سخنرانی شهید نواب صفوی در صحن عتیق نیز با موضوع فراموش کردن سنت امر به معروف و نهی از منکر ایراد شد. برخی شاهدان عینی مانند «سیدحسن فاطمی» که از اعضای مشهدی فدائیان اسلام محسوب می‌شد، از اجتماع بسیار عظیم زائران و مجاوران در صحن عتیق سخن گفته‌اند؛ اجتماعی که شهید نواب صفوی بدون استفاده در بلندگو در آن به ایراد سخنرانی پرداخت و صدای رسای او، افکار عمومی را متوجه مسائل روز ایران و جهان اسلام کرد و پس از ایراد آن، شور و غوغای بی‌سابقه‌ای در میان مردم شکل گرفت.



نخستین سفر سیاسی شهید نواب صفوی به مشهد در سال ۱۳۲۹ش شکل گرفت و اطلاعیه‌هایی درباره ورود نواب صفوی به مشهد در روزنامه‌های فعال آن دوره شهر به چاپ رسید. البته در آن زمان، گروه‌هایی وجود داشتند که می‌خواستند مانع سخنرانی‌های او در مشهد شوند.

■ مخفیگاه نواب صفوی در خیابان «دریا»

مشهد در جریان رویدادهای غمبار پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ نیز مدتی میزبان شهید نواب صفوی بود. رحیم‌پور اصفهانی از اعضای فدائیان اسلام در گفت‌وگویی به این مسئله کمتر شنیده شده اشاره می‌کند و می‌گوید آن مرحوم مدتی را در شهر مشهد و در جایی که امروزه منطقه طلاب قرار دارد، مخفی شده بود؛ جایی که به دلیل قرار داشتن گودالی بسیار بزرگ و مملو از آب به منطقه «دریا» شهرت داشت و امروزه ما آن را به نام خیابان «وحید» می‌شناسیم که از خیابان شهید مفتاح (سیمتری طلاب) تا بزرگراه کمربندی مشهد (صدمتری) امتداد دارد. شهید نواب صفوی زمانی در این منطقه و در یکی از خانه‌های محقر و روستایی آن پنهان شده بود که آن مکان، بخشی از شهر مشهد به حساب نمی‌آمد. می‌دانیم که منطقه طلاب از اواخر دهه ۱۳۴۰ خورشیدی در تدریج آباد شد و نخستین خیابانی که در آن ساختند، خیابان شهید علیمردانی امروزی یا همان ۲۰متری طلاب سابق بود. شهید نواب صفوی حدود یک ماه در این محل مخفی شد و فقط دوستان و یاران خاص وی از این مسئله خبر داشتند. او گاه به وقت سحر، خودش را به حرم مطهر امام رضا(ع) می‌رساند و پس از زیارت، دوباره به مخفیگاه خود باز می‌گشت.

هم در مهدیه ایراد شد. با این حال، همه خیابان‌های منتهی به حرم رضوی، بالقوه محل سخنرانی و تبلیغات شهید نواب صفوی بودند. او هنگامی که قصد داشت در مدارس علمیه‌ای مانند «مدرسه سلیمانیه» بالاخیاپان یا هر مکان دیگری مثل مساجد محله نوغان یا سرشور سخنرانی کند، مسیر را به صورت پیاده طی می‌کرد و در همان حال، با مردم سخن می‌گفت. این صحبت‌ها حالت موعظه داشت، اما لحن و نوع بیان آن با دیگر سخنرانی‌ها فرق می‌کرد و هیجان و شوری که در آن‌ها نهفته بود، مردم را سخت تحت تأثیر قرار می‌داد؛ در واقع تأثیر این منبرهای خیابانی، حتی بیشتر از سخنرانی‌های رسمی بود. به همین دلیل سخنرانی‌های شهید نواب صفوی در مسجد گوهرشاد و صحن عتیق با استقبال گسترده مردم روبه‌رو می‌شد.

■ سخنرانی‌های شورانگیز در حرم مطهر

حرم مطهر از نخستین سفر شهید نواب صفوی به مشهد، میزبان سخنرانی‌های وی بود. سخنرانی مشهورش در زمستان سال ۱۳۳۰ در مسجد گوهرشاد شاید سبب شد برای نخستین بار مردم مشهد با قضیه فلسطین و هجمله گسترده صهیونیست‌ها به مقدسات عالم اسلام

نیمکت‌زندگی

و این جیب‌های شرمنده

رقیه توسلی | از آن روزهاست که دلم می‌خواهد

با خودم حرف بزنم، نه با مسئول و دست‌اندرکار و مدیری... به عنوان مخاطب فقط بنشینم و زل بزنم به قیمت‌های نجومی که احاطه‌مان کرده‌اند... زل بزنم به لباس و خشکبار و کتاب و گوشت و گل و برنج و میوه و اثاث منزل و ماشین و خانه که قیمتشان داغ می‌زند... به زندگی که توی هر مغازه نفس‌گیر شده... به پیرزنی که دیدم امروز عطای شاد کردن نوه‌اش را بخشید به لقایش و ماشین اسباب‌بازی را برگرداند چون گفت چیپش کفاف نمی‌دهد... به آقای جوانی که بعد پرسیدن قیمت قزل‌آلا خندید و راهش را کج کرد و رفت... به لب گزیدن خانومی که قیمت کل میوه‌هایش را روی ترازو دید... به خودم که از خیر خرید آجیل گذشتم، از خیر گل‌هایی که کلی می‌توانست خانه را با انرژی و زیبا و سرحال کنند... به «باغبون مراد» که داشت پشت تلفن خودش را لعن می‌کرد که چرا سر تابستانی دل‌دل کرده و برنجش را نخریده... به دختر همسایه که مادرش می‌گوید: «سر یک جفت کفش کوتنی که قیمتش کف عرف بازاره، دو روزی میشه قهر کرده»... به همکارم که عزای تعویض لاستیک ماشینش را گرفته... به آقایی که توی صف انبویوس برای همسرش تشریح می‌کند دو تا پیراهن را کارت کشیده پانصد هزار تومان و بعد به قبض توی دستش اخم و تخم می‌کند.

از آن روزهاست که به گمانم کالاهای می‌خواهند خودی نشان بدهند و قیمت به رخ بکشند و قصدی ندارند جز چزاندن عقل معاش!

یکی از آشنایان که هرازگاهی از جنوب بار می‌آورد پیام فرستاده. پیامک را باز می‌کنم. ارقام پالتو و مانتوهایش خواندنی‌ست. پوووووف دارد. نخردنی‌ست. نمی‌دانم چرا یک آن فکرم می‌رود پیش کسانی که ۳۰-۲۰ میلیون تومان ماهانه واریز می‌شود به حسابشان، پیش کسانی که دخل و خرجشان حسابی جور است با هم. پیش آن‌ها که اصطلاحاً غم نان ندارند.

سنباق

من دلسوز: بیچاره بچه‌ها و بیچاره اسباب بازی‌هایی که به همدیگه نمیرسن.
من خسته: کارتن‌خواب‌ها را ببین. وضعیتشون از ما قرمزتره... شرک‌زار باش!
من پرسشگر: مسئولین آیا زیر خط فقر زندگی می‌کنند!؟

پی‌نوشت

پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند:
لَکُمْ رَاعٌ وَ لَکُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِیَّتِهِ
بدانید که همه شما مسئولید و همه شما نسبت به زیردستان‌تان بازخواست می‌شوید.

منبرمجازی

تکلیف‌را شیرین انجام بده



حجت‌الاسلام ماندگاری | بهترین مقدرات

را از خدا بخواهیم. بهترین مقدر چیست؟ بهترین مقدر این است که من بهترین انجام مأموریت الهی را داشته باشم. «خلق الموت و الحیا لیبولکم ایکم احسن عملاً»... یعنی اگر به ما بگویند بهترین مقدر تو چیست؟ بگویم می‌خواهم آن توقعی را که خدا از من دارد، به نحو احسن انجام دهم.

انتظاری که خدا از ما دارد؛ انجام تکلیف است. بهترین نحوه انجام تکلیف این است که ما تکلیف الهی را شیرین انجام دهیم، از خدا می‌خواهیم انجام تکلیف سخت برای ما «احلی من العسل» شود. الان تکالیف برای مردم سخت است. هر چقدر هم به سمت ظهور جلوتر می‌رویم تکالیف سخت‌تر می‌شود. زمان ظهور تکالیف خیلی سخت‌تر می‌شود اما اگر مبنای اعتقادی در وجود ما تقویت شود تکالیف سخت «احلی من العسل» می‌شود. مردم نسبت به واجبات فرار نمی‌کنند، کسالت ندارند، بهانه‌گیری نمی‌کنند... نسبت به واجبات «والسابقون السابقون» هستند. چرا باید فقط در ماه مبارک رمضان در مکان خاص و ایام خاص و موقعیت خاص ما بنده خدا شویم؟

صد بار بدی کردم و دیدم ثمرش را/ خوبی چه بدی داشت که تکرار نکردم
همه مردم در ماه رمضان خوب می‌شوند. همه مردم شب قدر خوب می‌شوند. همه با هم مهربانند، همه یکدیگر را دوست دارند.

همه در اربعین امام حسین(ع) در مجلس امام حسین(ع)، در حرم امام حسین(ع) خوب می‌شوند. همه در حرم امام رضا(ع) و حرم حضرت معصومه(س) خوب می‌شوند، چرا ما این خوبی را در موقعیت‌های دیگر تکرار نمی‌کنیم؟ چون تکلیف سخت است. رفقا، خوب بودن سخت است... به آدم فحش بدهند و او باید در مقابلش خوبی کند، سخت است. کسی با تو قطع رحم کند، تو صله رحم کنی سخت است، کسی خطا کند، تو وفا کنی؛ کسی جفا کند تو عطا کنی خیلی سخت است.

در عصبانیت‌ها کسی به او فحش دهد، آدم خودش را کنترل کند سخت است. در هوای گرم تابستان، روزه گرفتن سخت است، نماز خواندن، خمس دادن، زکات دادن سخت است.

آسان شدن و شیرین شدن این‌ها معرفت می‌خواهد... اللهم عرفنی نفسک... اگر خدا به ما معرفت ندهد ما در این عالم هیچ چیز نداریم. «المعروف بقدر المعرفة» هر چقدر بفهمی همان قدر سهمت است. سهم ما به اندازه فهم ماست. «اللهم اکرمنا بنور الفهم».

